

مبانی و شاخصه‌های تفسیر اجتماعی در «التفسیر المراغی»

علی اسدی اصل^۱، سیدابوالقاسم موسوی^۲

^۱ دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد.

^۲ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

چکیده

یکی از نوآوری‌های مفسران در قرون اخیر، توجه به گرایش اجتماعی در تفسیر قرآن کریم می‌باشد. تحولات دو قرن اخیر و نهضت اصلاحی و بازگشت به قرآن، موجب طرح بحث‌های اجتماعی گوناگونی گردید و همین امر سبب شد که آن موضوعات به حوزه تفسیر نیز وارد شود. با توجه به این که قرآن کریم علاوه بر احکام فردی، به تبیین احکام اجتماعی نیز پرداخته است، لذا در این گرایش، مفسران به دنبال یافتن راه حل مشکلات اجتماعی در قرآن کریم هستند. در این پژوهش، به روش توصیفی-تحلیلی، مبانی تفسیر اجتماعی در تفسیر احمد مصطفی المراغی استخراج و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، التفسیر المراغی، گرایش تفسیر اجتماعی، مبانی تفسیر اجتماعی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

قرآن کریم علاوه بر احکام تکلیفی و عقاید، بسیاری از مطالب مربوط به زندگی اجتماعی بشر را بیان کرده است؛ این بُعد از قرآن از دیرباز مورد توجه مفسران بوده و بر این اساس به تفسیر آیات مربوط به آن می‌پرداختند. از ویژگی بارز تفاسیر معاصر با گرایش اجتماعی، توجه به نیازهای موجود و منطبق نمودن مفاهیم قرآنی با مسائل اجتماعی و همچنین کشف و ارائه‌ی پیام هدایت قرآن در تمامی مسائل مرتبط با زندگی بشر می‌باشد.

مفسرانی که با توجه به این روش، آیات قرآن کریم را تفسیر کرده‌اند، بر این باورند که جامعه‌ی اسلامی از مفاهیم قرآن دور افتاده است و برای احیای روح جمعی مسلمانان باید قرآن را بر اساس توجه به عینیت‌ها و به انگیزه‌ی پاسخ‌گویی به ضرورت‌های زندگی کنونی تفسیر نمود؛ بنابراین توجه و اهتمام ویژه‌ی مفسران قرآن کریم در دو قرن چهاردهم و پانزدهم به این جریان کاملاً مشهود است. احمد مصطفی المراغی، مانند هر مفسر اجتماعی دیگر، هدفش بازگشت آموزه‌های قرآن به متن زندگی مردم است و بر این باور است که قرآن کتاب هدایت و زندگی می‌باشد.

۱) تفسیر مراغی

نویسنده‌ی این تفسیر احمد مصطفی المراغی (م ۱۳۷۱ق) می‌باشد. وی از شاگردان شیخ محمد عبده است که روش او بسیار شبیه به ایشان می‌باشد. این تفسیر گسترده‌ترین مباحث اجتماعی عصر خود را مطرح کرده است و با رعایت قواعد تفسیر، از به‌کاربردن اصطلاحات سخت علمی اجتناب و با بیان بسیار ساده‌ای آن را تألیف نموده است. همچنین از جامع‌ترین تفاسیر عربی معاصر است و اسلوب و طریقه نقل مطالب و نظم مباحث آن متناسب با نیاز زمان می‌باشد. می‌توان این اثر را تفسیری اجتهادی تحلیلی، تربیتی، اجتماعی و علمی نامید که درصدد تقریب بین مذاهب اسلامی نیز بوده است. از دیگر ویژگی‌های این تفسیر عنایت مراغی به اظهار اسرار تشریح و حکمت تکالیف الهی برای اظهار محاسن اسلام و کشف هدایت انسان می‌باشد. (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۲، صص ۴۶۷ و ۴۶۸)

۲) مبانی تفسیر اجتماعی در «التفسیر المراغی»

هر دانش یک سری گزاره دارد که بنیادی هستند و سایر گزاره‌ها بر آن استوار می‌باشند که به این گزاره‌های بنیادی، مبانی می‌گویند. در مورد قرآن کریم، منظور از مبانی، اصولی است که بر اساس آن اصول و پیش‌فرض‌هایش، از پیام‌های قرآن پرده برداری می‌شود. اما باید توجه داشت که این مبانی به صورت مستقل در هیچ‌یک از تفاسیر اجتماعی و از آن جمله تفسیر المراغی نیامده است و نیز در شیوه کمتر مفسری یافت می‌شود که به صورت واضح، به بیان این مبانی و اصول نظری خود پرداخته باشد. لذا در این پژوهش با بررسی اصول، قوانین و مسائل اجتماعی در تفسیر المراغی بر این هستیم که برخی از مبانی تفسیر اجتماعی را در تفسیر ایشان تبیین و بررسی کنیم.

۲-۱) جامعیت و جاودانگی قرآن کریم

یکی از مبانی و اصول تفسیر با گرایش اجتماعی مسئله‌ی جامعیت و جاودانگی و جهانی بودن قرآن کریم و تعالیم دینی اسلام است. این که قرآن کریم کتابی هدایتی و تربیتی است، مورد پذیرش و تأیید تمامی مفسران و دانشمندان می‌باشد؛ اما مورد

اختلاف آن‌ها در این مسئله است که آیا قرآن کریم به همه‌ی نیازهای فردی و اجتماعی بشر در تمامی ابعاد دنیوی و اخروی آن توجه داشته و پرداخته است؟

با توجه به اینکه قرآن کریم کتابی هدایتی و تربیتی است، و هدف آن رشد و تعالی بشر در مسیر سعادت دنیوی و اخروی می‌باشد، لازم است که به همه‌ی نیازهای فردی و اجتماعی بشر در تمامی ابعاد آن توجه داشته باشد.

۲-۱-۱) جامعیت قرآن کریم در زمینه‌ی پاسخ‌گویی به نیازهای هدایتی

هدایتگری قرآن، یکی از مبانی اساسی تفسیر اجتماعی قرآن است که زیرمجموعه‌ی بحث جامعیت قرآن می‌باشد. همچنین تأکید بر مسئله‌ی هدایتگری قرآن، یکی از اندیشه‌های محوری در نزد مفسران معاصر می‌باشد که مبنای آن، بازگشت به قرآن در جهت اصلاحات دینی و اجتماعی می‌باشد.

احمد مصطفی المراغی که آثار تفسیری‌اش از نخستین حرکت‌های اساسی در راه احیای نقش هدایتگری در دوران جدید به حساب می‌آید، در مقدمه‌ی تفسیر خود می‌گوید: «قرآن کریم منبع و بیانگر آداب و اخلاقی است که دستور به پیروی از آن شده، تا سبب سعادت و باعث هدایت آنان شود که به سرمنزل مقصود برسند؛ لذا احکام و بیانات قرآن کریم وسیله‌ی اصلاح وضع مجتمع اسلامی هستند، البته اگر به آن‌ها عمل شده و از مسیرشان منحرف نشوند.» (مراغی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵) ایشان به حکمت نزول منجم قرآن کریم در بحث هدایت‌گری اشاره کرده و می‌گوید: «از عواملی که باعث سهولت در فهم و عمل به قرآن کریم شد، نزول تدریجی آن بود که طی حوادث و وقایع مختلف در مدت بیست سال انجام پذیرفت» (مراغی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵)

مراغی در ادامه به نقش تکمیلی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در بحث هدایت‌گری که شامل آموزش، تفسیر و تبیین آیات و مفاهیم آن‌ها می‌باشد، اشاره کرده و می‌گوید: «ایشان [پیامبر] علیه الصلاه و السلام، هادی آنان به طریق صواب، و مبین امور مبهم دینی و مفسر قرآن کریم بوسیله‌ی سنت قولی و عملی‌اش بود، همان‌گونه که خداوند تعالی فرمود: «... وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...» (نحل/۴۴)، و این‌گونه بود تا به رفیق اعلی پیوست.» (مراغی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵) همچنین ایشان در تفسیر آیه‌ی «... وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بَشْرًا لِّلْمُسْلِمِينَ» (نحل/۸۹) بیان می‌کند که منظور از بیان هر چیز، کلیه‌ی مسائلی است که انسان در جهت هدایت و سعادت به آنها نیاز دارد. (مراغی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲۷ و ۱۲۸)

۲-۱-۲) جامعیت قرآن کریم در زمینه‌ی توجه به اجتماع و پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی

اسلام دینی است که بنیان خود را بر اجتماع نهاده است و نیز این معنا را به صراحت اعلام کرده است و در هیچ شأنی از شئون بشری، مسئله‌ی اجتماع را مهمل نگذاشته است؛ لذا اولین ندایی که بشر را دعوت نمود تا به امر اجتماع اعتنا و اهتمام بورزد، ندایی بود که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سر داد و مردم را دعوت کرد به اینکه آیاتی را که از ناحیه‌ی پروردگارش به

مانند آیات (وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّأْتُكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) (انعام/۱۵۳)؛ (وَ أَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ * وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اختلفوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ) (آل عمران/۱۰۳-۱۰۵)

مگو، بلکه بگو: «پروردگارا! ما را از افراد بد از آفریدگانت بی نیاز کن»؛ زیرا هیچ مؤمنی از برادر مؤمن خود بی نیاز نیست. (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۲۶۳، ح ۵۸۳۰)

امام صادق (علیه السلام) همچنین می‌فرماید: «... واقعاً برای شما چاره‌ای از [زندگی با] مردم نیست؛ زیرا هیچ‌کس در دوران زندگی خودش، از دیگران بی‌نیاز نیست و مردم نیز [از نظر برقراری روابط] بعضی از آنان ناگزیر [از ارتباط] با برخی دیگر هستند.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۳۵، ح ۱)

مراغی ذیل آیه‌ی «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَاَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَاناً...» (آل عمران/۱۰۳) با اشاره به ذاتی و فطری بودن روحیه اجتماعی بشر، این مورد را نیز بیان می‌دارد که هر اندازه پیوستگی میان انسان‌ها بیشتر گردد، از گسست و شکاف میان آن‌ها کاسته می‌شود. در این صورت، افراد در میدان زندگی و پیمودن مراحل رشد و ترقی، پیشرفت شایانی خواهند نمود. به همین جهت است که اسلام، انسان‌ها را صرف نظر از دین و مذهب و ملیت، به وحدت و یکپارچگی در رسیدن به اهداف صحیح و شایسته دعوت می‌نماید. (مراغی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۷)

همچنین در بسیاری از آیات و روایات نیز به معیار وحدت و یکپارچگی انسان‌ها اشاره گردیده است. مراغی ذیل آیه‌ی «... وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْاِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ...» (مانده ۲) اشاره می‌کند که افراد نیز برای تداوم زندگی سعادت-مندانه‌ی خویش باید در پرتو شاخصه‌ها، زندگی اجتماعی خود را پی‌ریزی کنند. بنابراین اسلام همه‌ی مردم را به این مهم می‌خواند؛ چرا که همگان در معرض سختی‌ها و مشکلات طاقت فرسایند و به تنهایی برای مقابله با آن‌ها ناتوان، از این رو به ناچار به فرد یا افرادی تمسک می‌جویند. بدین ترتیب پیوند اجتماعی میان افراد ایجاد می‌گردد و زندگی اجتماعی شکل می‌گیرد. (مراغی، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۶) که البته بی‌گمان اساس آن باید بر پایه‌ی نیکوکاری و پرهیزکاری باشد، نه در جهت ترویج گناه و کمک به ستم‌پیشگان.

انسان موجودی مدنی الطبع و اجتماعی است، به این معنا که زندگی فردی و جدا از اجتماع برای او تقریباً محال است. هر یک از افراد جامعه به کار دیگران محتاج است و رفع این احتیاجات به صورت متقابل، روابطی را بوجود می‌آورد که متنوع و گوناگون است.

در ادامه باید به این مطلب اشاره کرد که نوع زندگی انسان همواره به صورت اجتماعی بوده است و آیات متعددی در قرآن کریم نیز بیانگر این امر می‌باشد. انسان موجودی اجتماعی است و این امر منشاء درونی و طبیعی دارد؛ به عبارت دیگر، میل به

«الْجَعْفَرِيَّاتُ، أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) قَالَ: كَانَ رَجُلٌ جَالِسٌ عِنْدَ أَبِي فَقَالَ اللَّهُمَّ اغْنِنَا عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ فَقَالَ لَهُ أَبِي لَا تَقُلْ هَكَذَا وَ لَكِنْ قُلْ - اللَّهُمَّ اغْنِنَا عَنْ شِرَارِ خَلْقِكَ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَسْتَعْنِي عَنْ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ.»

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَلِيدٍ عَنْ مُرَّازِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ فِي الْمَسَاجِدِ - وَ حُسْنِ الْجِوَارِ لِلنَّاسِ [أي من مخالطتهم و معاشرتهم و معاملتهم] وَ إِقَامَةِ الشَّهَادَةِ وَ حُضُورِ الْجَنَائِزِ إِنَّهُ لَا بُدَّ لَكُمْ مِنَ النَّاسِ إِنْ أَحَدًا لَا يَسْتَعْنِي عَنِ النَّاسِ حَيَاتَهُ وَ النَّاسِ لَا بُدَّ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ.»

«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (بقره/۲۱۳)؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ

زندگی اجتماعی به صورت فطری در درون انسان نهادینه شده است و این میل او را به معاشرت با دیگران سوق می‌دهد. در این دیدگاه، انسان مدنی الطبع است. (مراغی، بی تا، ج ۲، صص ۱۲۱-۱۲۳)

مراغی در ذیل آیه ۲۱۳ سوره‌ی بقره ضمن اشاره به مدنی الطبع بودن بشر، بیان می‌کند که انسان، موجودی است که به حسب فطرت خود اجتماعی و تعاونی می‌باشد. (مراغی، بی تا، ج ۲، صص ۱۲۲)

۲-۳) اصالت جامعه در برابر اصالت فرد در تعالیم اسلامی و قرآن کریم

مراغی در تفسیرش، درباره هویت و شخصیت مستقل برای اجتماع از دیدگاه اسلام، اشارات فراوانی کرده است. ایشان اشاره می‌کند که قرآن کریم برای اجتماع [ذیل آیاتی که در ادامه می‌آید]، قائل به وجود، عمر، کتاب، نیز حتی شعور، فهم، عمل، اطاعت و معصیت می‌باشد.

ایشان ذیل آیه «... كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا...» (جائیه/۲۸) اشاره به این مورد دارد که هر امتی، کتابی خاص خود دارد که بوسیله آن هدایت و به سوی آن خوانده می‌شود. (مراغی، بی تا، ج ۲۵، صص ۱۶۲ و ۱۶۳)

همچنین ذیل آیه «... زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ...» (انعام/۱۰۸) به اشاره‌ی قرآن کریم درباره درک و شعور هر امت اشاره می‌کند که یکی از سنت‌های خداوند، تزیین اعمال امت‌ها می‌باشد. (مراغی، بی تا، ج ۷، صص ۱۲۴)

و نیز ذیل برخی دیگر از آیات، اشاره به توجه قرآن به اجتماع را بیان می‌کند؛ از جمله این که قرآن کریم درباره‌ی عمل بعضی از امت‌ها فرموده است: «... مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ...» (المائده/۶۶)؛ درباره طاعت امت‌ها فرموده است: «... أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتَّبِعُونَ آيَاتِ اللَّهِ...» (آل عمران/۱۱۳)؛ درباره معصیت امت‌ها فرموده است: «... وَ هَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَ جَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ غَافِرٍ/۵»؛ درباره خلاف کاری امت‌ها فرموده است: «وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ...» (یونس/۴۷).

مراغی، ذیل آیه‌ی «وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ...» (اعراف/۳۴) علاوه بر اشاره قرآن به مرگ و حیات امت‌ها، به عزت و سعادت آن‌ها اشاره کرده و می‌گوید: «... هر امتی مدت زمان معین شده خود را دارد ... که این اجل دوگونه می‌باشد: اجلی از جهت زندگی دنیوی که بوسیله تکذیب و رد دعوت پیامبران بر آن‌ها فرارسید ... و نیز اجلی مقدر شده از جهت سعادت و جایگاه یک امت میان امت‌های دیگر که بستگی به سنت‌های الهی در اجتماع بشری دارد که عامل شکوفایی و ترقی و پیشرفت آن می‌شود ... لذا امت‌هایی که دچار گمراهی و مفساد شود، خداوند سعادتشان را سلب کرده و بر آن‌ها کسانی را مسلط می‌کند که به ذلتشان بکشد...» (مراغی، بی تا، ج ۸، صص ۱۴۱ و ۱۴۲)

این سخن مراغی اشاره به این موضوع دارد که ممکن است امتی زنده باشد، اما به سبب گمراهی و مفسادی که داشته به ذلت کشیده شده و نامی از آن در میان نباشد؛ چه بسا امتی نیز اکنون نباشد اما نام و ذکر و روشش به سبب عزت و سعادت و جایگاهش در میان دیگر امت‌ها زنده باشد و از میان نرفته باشد. لذا می‌بینیم که قرآن کریم توجه خاصی به داستان، سرنوشت و تاریخ امت‌ها دارد.

«خَبِيرٌ» (حجرات/۱۳)؛ «أَأَمْهُمْ يُقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا وَ رَحِمْتَ رَبُّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ» (زخرف/۳۲)

۴-۲) عقل‌گرایی در تفسیر

عقل‌گرایی یکی از مهم‌ترین مبانی تفسیر اجتماعی است؛ منظور از عقل‌گرایی در تفاسیر معاصر، «هرگونه تلاش عقلانی در جهت همسوسازی یافته‌های بشری با معارف قرآنی و یا نقد فرایند فهم دینی با عقلانیت» است. (نفیسی، ۱۳۷۹، ص ۲۰) لذا مفسران اجتماعی علاوه بر داشتن مهارت در تفکر و استدلال عقلی، لازم است هر آیه‌ی مورد بحث را طوری تفسیر نمایند که اگر در بین مبادی بین یا مبین عقلی، دلیل یا تأییدی وجود داشت، از آن در خصوص معارف عقلی و نه احکام تعبدی به عنوان استدلال یا استمداد، بهره‌برداری شود. همچنین ارزش‌گذاری مصلحان اجتماعی به عقل سبب شد تا در فهم قرآن نقش مهمی را به عقل واگذار کنند؛ لذا برداشت آنان از قرآن در جستجوی پاسخ‌گویی به نیازهای مردم و اصلاح امور جامعه اسلامی بود و رنگ اجتماعی داشت، به‌گونه‌ای که حتی از آیات به ظاهر اخلاقی، تاریخی، عبادی، مسائل اجتماعی را استنباط می‌کردند.

احمد مصطفی المراغی به‌عنوان یکی از چهره‌های شاخص در تفسیر اجتماعی، معتقد است آیات قرآن با تأکید تمام، به تدبیر، تعمق و کوشش در معرفت خدا و آیات الهی به‌وسیله‌ی تفکر، تذکر و استدلال‌های عقلی دعوت می‌کند؛ همچنین اشاره می‌کند که تفکر، مبدأ علم و راه رسیدن به حق است، که در آیات و روایات بسیاری در همین معنی آمده و به آن اشاره شده است. (مراغی، بی‌تا، ج ۹، صص ۱۰۹ و ۱۱۰)

۵-۲) وحدت محتوایی و مضمونی دیدگاه‌ها و پیام‌های قرآن کریم

یکی از مبانی تفسیر اجتماعی، نگرش به یکپارچگی، وحدت محتوایی و مضمونی پیام‌های قرآن است. منظور از وحدت موضوعی، یک کار فنی منسجم در نهایت پیوستگی، به گونه‌ای که هر قسمت به قسمت بعد از خودش متصل است، و نمی‌توان یک قسمت از آن را حذف کرده، یا قسمتی را به آن اضافه نمود.

با بررسی نظرات مراغی و بحث مطرح شده ذیل آیه‌ی «وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء/۸۲)، ایشان این عدم اختلاف و الهی بودن را یکی از وجوه اعجاز قرآن کریم دانسته، و در مورد انسجام و وحدت موضوعی در قرآن کریم، اشاره به تصویرگری منسجم میان موضوعات و پیام‌های قرآن و همچنین عدم اختلاف و تناقض در مضمون با وجود ذکر عبارات گوناگون در آن زمینه، و نیز عدم اختلاف در معانی و مفاهیم ذکر شده دارد. (مراغی، بی‌تا، ج ۵، صص ۱۰۲-۱۰۴)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

- ۱) بهره‌مندی از آموزه‌های قرآن کریم در سراسر زندگی مردم در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، از اهداف اصلی مفسرانی است که قرآن را از بعد اجتماعی تفسیر کرده‌اند.
- ۲) احمد مصطفی المراغی، مانند دیگر مفسرانی که با گرایش اجتماعی به تفسیر آیات قرآن کریم پرداخته‌اند، نسبت به تفسیر آیاتی از قرآن که مسائل اجتماعی را بیان می‌کنند، توجه و اهتمام داشته است و ضمن آگاهی از مشکلات مسلمانان و تطبیق آیات قرآن بر زندگی مردم، به دنبال ارائه‌ی راهکارهایی برای درمان مشکلات اجتماعی است.
- ۳) مفسر تفسیر المراغی، به آموزه‌های تربیتی و ارشادی قرآن نیز توجه داشته است و متذکر می‌شود که وجود سنت‌های تاریخی و اجتماعی در قرآن و توجه به آن‌ها موجب هدایت و تربیت انسان می‌شود.

۴) از جمله اهداف مراغی، مانند هر مفسر اجتماعی دیگر، بازگشت آموزه‌های قرآن به متن زندگی مردم است. وی بر این باور است که قرآن کتاب هدایت و زندگی است و در این هدایت شایسته است که تفسیر به سمت و سوی نزدیک کردن قرآن با واقعیت‌ها و عینیت بخشیدن به مفاهیم هدایتی و اصلاحی آن در ابعاد مختلف پیش برود.

۵) جامعیت و جاودانگی قرآن کریم در زمینه‌های هدایتی و اجتماعی، ذاتی و فطری بودن روحیه‌ی اجتماعی بشر، اصالت جامعه در برابر اصالت فرد، عقل‌گرایی در تفسیر و وحدت محتوایی و مضمونی دیدگاه‌ها و پیام‌های قرآن کریم، از مبانی تفسیر اجتماعی در تفسیر مراغی می‌باشند.

منابع

* قرآن کریم

- ۱) کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- ۲) مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، بی‌تا.
- ۳) معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- ۴) نفیسی، شادی، عقل‌گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۹ش.
- ۵) نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه‌ی آل‌البیت(علیهم‌السلام)، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی